

حکومت اسلامی

به کوشش حسینعلی بای

شناسنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: حکومت اسلامی
- پژوهشکده: نظام‌های اسلامی
- گروه علمی: فقه و حقوق
- به کوشش: حسینعلی بای
- موضوع اصلی: حکومت اسلامی



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

حکومت اسلام

به کوشش حسینعلی بای

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: مهدی جعفری

چاپ و صحافی: الف‌دیر

سرشناسه: بای، حسینعلی، ۱۳۵۷-.

عنوان و نام پدیدآور: حکومت اسلامی / حسینعلی بای.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

مشخصات ظاهری: ۲۲۳ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۲۹۷-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: اسلام و دولت.

موضوع: اسلام و سیاست. موضوع: ولایت فقیه.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ج ۲ پ / ۲۳۱ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۳۴۳۸۱

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۳۳۴۱ - ۸۸۵۰۵۴۰۲

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۱۷	مقدمه.....
۲۹	حکومت و مشروعیت
۲۹	گفتار اول: مفهوم مشروعیت.....
۲۹	۱. حکومت.....
۳۰	۲. مشروعیت.....
۳۰	۳. حق و تکلیف.....
۳۱	۴. حق حاکمیت.....
۳۱	گفتار دوم: مبانی مشروعیت حکومت.....
۳۲	۱. خواست مردم.....
۳۳	۲. عدالت یا ارزش‌های اخلاقی.....
۳۴	۳. حکومت دینی و الهی.....
۳۴	۳-۱. ملاک مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام.....
۳۵	۳-۲. مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل تسنن.....
۳۶	۳-۳. نقش مردم در حکومت اسلامی.....
۳۷	۳-۴. عصر غیبت.....
۳۸	۳-۵. فلسفه «انتخابات».....
۴۰	۳-۶. نظریه مقبول در باب مشروعیت حکومت.....
۴۲	گفتار سوم: جمهوریت.....
۴۳	۱. دموکراسی و نظام شرعی.....

۴۶	۲. دموکراسی اسلامی
۴۸	گفتار چهارم: حکومت ولایت
۴۹	۱. چرا ولایت فقیه؟
۵۱	۲. سابقه نظریه «ولایت فقیه»
۵۲	۳. ولایت فقیه در کلام معصوم (ع)
۵۳	نیازمندی‌های قانون (تفسیر - تطبیق - اجرا)
۵۴	۴. شایسته‌ترین مجری احکام اسلام
۵۵	۵. اختیارات رهبری و قانون
۵۶	۶. ولایت مطلقه
۶۱	۷. ولایت فقیه و تخصص‌های گوناگون
۶۲	۸. اختلاف سر فقیهان و نقش ولی فقیه
۶۳	۹. انتقاد از «ولی فقیه»
۶۳	۹-۱. نکات در شبهه انتقاد
۶۴	۹-۲. بهترین شواهد انتقاد
۶۵	منابع
۶۷	مشروعیت «حکومت ولایتی»
۶۷	مقدمه
۶۹	گفتار اول: واژه‌شناسی
۷۱	گفتار دوم: منابع مشروعیت
۷۳	گفتار سوم: مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام
۷۶	گفتار چهارم: مشروعیت حکومت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
۷۹	گفتار پنجم: آیات ولایت
۷۹	۱. ولایت خداوند
۷۹	۲. ولایت ملائکه و فرشتگان الهی
۸۰	۳. ولایت نبوی
۸۱	۴. ولایت مؤمنان
۸۱	۵. ولایت ائمه اطهار
۸۲	گفتار ششم: مشروعیت حکومت فقیه
۸۴	۱. برهان عقلی و نقلی
۸۵	۲. دلایل نقلی

۹۱.....	گفتار هفتم: بررسی شبهات ولایت فقیه.....
۹۷.....	منابع.....
۱۰۱.....	مبانی فلسفی و کلامی حکومت دینی.....
۱۰۱.....	مقدمه.....
۱۰۱.....	گفتار اول: ضرورت تشکیل حکومت.....
۱۰۱.....	۱. نیاز به زندگی اجتماعی.....
۱۰۲.....	۲. ضرورت حکومت.....
۱۰۴.....	۳. اقلیت جامعه.....
۱۰۶.....	۴. معیارهای عقلی حاکمیت.....
۱۰۹.....	گفتار دوم: نوع حکومت دینی و مقایسه آن با حکومت‌های دیگر.....
۱۰۹.....	۱. حکومت شاهنشاهی.....
۱۱۱.....	۲. حکومت آئین‌گرایان.....
۱۱۲.....	۳. دیکتاتوری.....
۱۱۳.....	۴. دموکراسی.....
۱۱۶.....	۵. حکومت اسلامی.....
۱۱۷.....	ویژگی‌های حاکم اسلامی.....
۱۲۶.....	گفتار سوم: دیدگاه کائنات در مورد حکومت دینی و نقش آن.....
۱۲۹.....	منابع.....
۱۳۱.....	اصول و مبانی حکومت اسلامی.....
۱۵۹.....	اهداف و آرمان‌های حکومت.....
۱۵۹.....	مقدمه.....
۱۵۹.....	گفتار اول: اهداف حکومت.....
۱۶۰.....	۱. اهداف عام حکومت.....
۱۶۱.....	۲. اهداف خاص حکومت اسلامی.....
۱۶۵.....	گفتار دوم: قدم و تأخر و آرمان‌های حکومت.....
۱۶۵.....	۱. تقدم نظم مقید.....
۱۶۷.....	۲. تقدم عدل بر دیگر ارزش‌های اجتماعی.....
۱۶۸.....	۳. تقدم ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی.....
۱۷۰.....	گفتار سوم: تحقق اهداف و آرمان‌ها.....
۱۷۰.....	۱. بستر تحقق اهداف عالی حکومت.....

۱۷۲.....	۲. تحقق اهداف حکومت علوی.....
۱۷۲.....	۲-۱. التزام امام به اهداف خویش.....
۱۷۲.....	۲-۲. دستیابی امام به همه اهداف.....
۱۷۳.....	۲-۳. موفقیت تاریخی امام.....
۱۷۶.....	منابع.....
۱۷۷.....	حکومت اسلامی.....
۱۷۷.....	گفتار اول: پیشینه تاریخی ولایت فقیه.....
۱۹۵.....	گفتار دوم: مردم و ولایت فقیه.....
۱۹۹.....	گفتار سوم: ولایت فقیه یا وکالت فقیه.....
۲۰۲.....	گفتار چهارم: اصول اساسی و ولایت مطلقه فقیه.....
۲۰۳.....	گفتار پنجم: ولایت مرجعیت.....
۲۰۵.....	گفتار ششم: فکیت مرجعیت از رهبری.....
۲۰۶.....	گفتار هفتم: تعدد رهب تعدد مرجع.....
۲۰۶.....	منابع.....
۲۰۹.....	ولایت فقیه.....
۲۰۹.....	گفتار اول: مفهوم‌شناسی.....
۲۱۲.....	گفتار دوم: ولایت در کلمات فقها.....
۲۱۹.....	گفتار سوم: دیدگاه‌ها در مورد ولایت.....
۲۱۹.....	۱. ولایت به‌مثابه «وظیفه و مسئولیت».....
۲۲۱.....	۲. ولایت به‌مثابه «منصب».....
۲۲۳.....	۳. ولایت به‌مثابه «وکالت».....
۲۲۶.....	گفتار چهارم: ولایت انشایی یا اخباری؟.....
۲۲۸.....	گفتار پنجم: تشابه در مفهوم ولایت.....
۲۳۰.....	گفتار ششم: نظارت به‌جای ولایت.....
۲۳۵.....	گفتار هفتم: فقاہت، شرط ولایت.....
۲۳۶.....	۱. تراحم ولایت‌ها.....
۲۴۰.....	۲. ولایت فقیه، واجب کفایی.....
۲۴۱.....	۳. فقاہت ولی امر.....
۲۴۲.....	۴. مفهوم ولایت مطلقه.....
۲۴۲.....	۵. فقاہت، قید ولایت.....

۲۴۳	۶. مفهوم انحرافی اطلاق ولایت
۲۴۳	۷. تفسیر نادرست برخی آیات
۲۴۶	۸. محدودیت‌های شرعی ولایت فقیه
۲۴۷	۹. محدودیت قانونی ولایت فقیه
۲۴۸	۱۰. مشورت با مردم در روایات
۲۵۰	لزوم مشورت دولتمردان
۲۵۲	۱۱. نظارت همگانی
۲۵۴	بخش دوم: مسئولیت رهبر در پیشگاه خدا و مردم
۲۵۵	گزارش نهم: مصلحت
۲۶۰	گفتار نهم: حکام حکومتی
۲۶۴	منابع
۲۶۷	ولایت فقیه و خیمه کار ما خب ملت
۲۷۹	پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه
۲۷۹	مقدمه
۲۸۲	گفتار اول: تأثیر زمان و مکان بر نظریه ولایت فقیه
۲۸۳	گفتار دوم: صبغه علمی مبحث ولایت
۲۸۶	گفتار سوم: نوع نیابت فقیه
۲۹۰	گفتار چهارم: نقطه عطف در طرح نظریه ولایت فقیه
۳۰۰	گفتار پنجم: مشروطه مشروعه بدیل اضطراری
۳۰۱	نتیجه
۳۰۳	منابع
۳۰۵	گستره حکم حکومتی از دیدگاه امام خمینی
۳۰۶	مقدمه
۳۰۶	گفتار اول: تعریف حکم حکومتی
۳۰۹	گفتار دوم: ولایت‌ها و شئون فقیه با توجه به اصل تفکیک قوا
۳۱۰	۱. ولایت در افتا
۳۱۲	۲. ولایت در حکومت (اجرا و اداره)
۳۱۵	۳. ولایت در قضا
۳۱۵	گفتار سوم: جایگاه حکم حکومتی با توجه به ولایت‌ها و شئون فقیه
۳۱۶	۱. حکم حکومتی و ولایت فقیه در افتا

۳۱۶.....	۲. حکم حکومتی و ولایت فقیه در قضا.....
۳۱۷.....	۳. حکم حکومتی و ولایت فقیه در حکومت (اجرا و اداره).....
۳۱۸.....	۳-۱. شباهت‌ها.....
۳۲۳.....	۳-۲. اختلافات.....
۳۲۵.....	گفتار چهارم: قلمرو موضوعی حکم حکومتی.....
۳۲۶.....	۱. قلمرو حکم حکومتی با توجه به اصل تفکیک قوا.....
۳۲۸.....	۲. قلمرو حکم حکومتی با توجه به احکام شرع.....
۳۳۶.....	منابع.....
۳۳۹.....	نظریهٔ زمامدارگماری توده‌ای و منطق استنباط.....
۳۶۱.....	اسخافات، حجت یا تکلیف؟!.....
۳۶۱.....	مقدمه.....
۳۶۲.....	گفتار اول: مفهوم «کلیف شرعی».....
۳۶۶.....	گفتار دوم: پاسخ شبهات.....
۳۶۶.....	۱. بر مبنای اعطای حق حاکمیت بدون واسطه از ناحیهٔ خدا به مردم.....
۳۶۷.....	۲. مبنای اعطای حق حاکمیت با واسطهٔ ولی فقیه به مردم.....
۳۷۰.....	گفتار سوم: حق و تکلیف «استنباط».....
۳۷۲.....	منابع.....
۳۷۳.....	ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم ادلای فقهی.....
۳۷۳.....	چکیده.....
۳۷۳.....	مقدمه.....
۳۷۶.....	گفتار اول: وکالت.....
۳۷۸.....	۱. آثار و نتایج نظریهٔ وکالت.....
۳۸۰.....	۲. نقد نظریهٔ وکالت.....
۳۸۳.....	گفتار دوم: کارگزاری ولایت.....
۳۸۴.....	گفتار سوم: نقابت.....
۳۸۶.....	گفتار چهارم: تأسیس و نهاد مستقل (نظریهٔ برگزیده).....
۳۸۸.....	۱. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های پیمان نمایندگی.....
۳۸۸.....	۱-۱. طرفین پیمان.....
۳۸۸.....	۱-۲. موضوع پیمان.....

۳۹۰.....	۱-۳. ضمانت اجرای پیمان نمایندگی.....
۳۹۱.....	۲. ویژگی‌های نمایندگی.....
۳۹۱.....	۲-۱. ملی بودن.....
۳۹۱.....	۲-۲. غیرقابل واگذاری بودن.....
۳۹۲.....	۲-۳. مشارکتی بودن.....
۳۹۲.....	۲-۴. مستقل بودن.....
۳۹۳.....	تاییدیه.....
۳۹۵.....	مناسبت.....
۳۹۷.....	فهرست آیات.....
۴۰۳.....	فهرست روایات.....
۴۱۱.....	نمایه.....

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو و سکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام بر عنوان این هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مسد ارائه گشته، بینش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان آسیب‌شناسی و ساخت تمدن این از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌دار درباره کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هم‌زمان تلاش شایسته و روزآمد می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی ممحض و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است، در قالب چهار پژوهشکده، حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و مرکز پژوهش‌های جوان در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. پژوهشکده نظام‌های اسلامی، که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و مدیریت اسلامی است، به‌طور خاص با مطالعه نظامات اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛
 ۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛
 ۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدد رسانی به متولیان امور و بستر سازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛
 ۴. تحقیق درباره مسائل مستحدثه با انگیزه گر هگشایی در زمینه نیازهای نوین فقهی؛
 ۵. پاسخ‌گویی به شبهات مطرح درباره فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛
 ۶. شناخت رخدادهای مهمی مکاتب و نظامات معارض.
- در مجموعه حاضر علاوه بر نوشته‌ها و بیانات حضرات آیات حسین نوری همدانی، محمد تقی مصباح یزدی، مرحوم محمد هادی معرفت، مهدی هادوی تهرانی که پیش‌روی خواننده گرامی قرار گرفته است، مقالات ارزشمند دیگری از محققان ارجمند جناب آقای دکتر علی اکبر رشاد، دکتر عبدالحسین خسروپناه، محمد سروش محلاتی، احمد جهانبزرگی، اسماعیل نعمت‌اللهی، کاظم قاضی‌زاده، محسن قنبریان، دکتر محمد احمد رضایی، سید احمد حبیب‌نژاد ارائه شده است. این مجموعه که در گرده فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی و با کوشش جناب آقای حسینعلی بای‌گروزی گردآوری شده است، به مباحثی از حکومت اسلامی و به‌ویژه ولایت فقیه، می‌پردازد.
- تشکیل حکومت اسلامی که در سایه‌سار آن بتوان شعائر دینی را ترویج نمود و عدل و دادگری را در جامعه اقامه کرد و احکام و حدود الهی را جاری ساخت و به ترویج فضایل اخلاقی پرداخت، از ضروریات انکارناپذیر به شمار می‌رود؛ زیرا اجرای احکام و مقررات اسلام که دارای ابعاد و زوایای مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... بوده و تمامی شئون فردی و اجتماعی افراد من المهد الی اللحد را در برمی‌گیرد، بدون تشکیل حکومتی که عهده‌دار

اجرای احکام و مقررات اسلامی باشد، ممکن نخواهد بود. هدف از بعثت پیامبران الهی هدایت انسان‌ها و رهنمون ساختن آنها به سوی قله‌های رفیع سعادت، و کمال و نیز رهایی و نجات از زنجیرهای اسارت و بردگی است که تحقق آن، نیاز به قدرت سیاسی و تشکیل حکومت دارد. همسنگ ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، ضرورت دیگری وجود دارد که عبارت از تعیین حاکمی لایق و شایسته است. بی تردید باید در رأس حکومت اسلامی عادل ترین و راسته‌ترین انسان‌ها و عالم‌ترین آنها به قوانین شرعی، قرار داشته باشد تا ضمنی اطمینان‌بخش نسبت به اجرای صحیح قوانین و عدم انحراف حکومت از مسیر الهی آن باشد که چنین شخصی پیامبر عظیم‌الشان اسلام و انمه نور و هدایت است و در غیبت ایشان فقیه تقوایه پرهیزگار، شجاع و اسلام‌شناسی که فرزندان زمان خویش باشد.

در مجموعه پیش رو، موضوعات «حکومت و مشروعیت»، «مشروعیت حکومت ولایی»، «اصول ربمانی حکومت اسلامی»، «مبانی فلسفی و کلامی حکومت دینی»، «اهداف و آراءهای حکومت»، «حکومت اسلامی»، «ولایت فقیه»، «ولایت فقیه و خبرگان منتخب ملت»، «پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه»، «گستره حکم حکومتی از دیار امام خمینی»، «نظریه زمامدارگماري توده‌ای و مستنطق استنباط»، «المنهاج، حق یا تکلیف؟» و «ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم اسلامی - فقهی» بررسی شده است.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش علمی محققان و استادان ارجمند، اعضای محترم شورای علمی گروه فقه و حقوق، به ویژه ارزیابان محرم مقالات و نیز جناب آقای حسینعلی بای کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز نمیم.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

مقدمه

نیاز بشر و جوامع انسانی به حکومت، آن‌چنان واضح و روشن است که تصور درست آن، موجب تصدیق آن خواهد شد. حفظ نظام اجتماعی جوامع، پیشرفت و آبادانی بلاد، ایجاد نظام و آرامش در اجتماعات که خود مقدمه هر نوع رفاه و آسایشی است، - و گداز از هرج و مرج و تعدی افراد جامعه به حقوق یکدیگر و... همگی در سایر سال تشکیل حکومت میسر خواهد شد.

وجود نیازهای گوناگون عاصمی، اقتضای فرهنگی و... انسان را که مدنی بالطبع است به سمت تشکیل حکومت سوق می‌دهد، از این‌رو گذری در تاریخ بشری، روشن می‌سازد که جوامع، در طول تاریخ همواره از نوعی حکومت (از حکومت‌های ساده و بسیط قومی قبیله‌ای تا حکومت‌های مدرن امروزی) برخوردار بوده است.

در ادیان الهی از جمله دین مبین اسلام، علاوه بر نیازها، عوامل عامی که تشکیل حکومت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، اهداف متعالی و بزرگتری، نظیر: اجرای قوانین و مقررات اسلامی، گسترش تعالیم دینی؛ ایجاد سعادت و مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و مکارم انسانی، لزوم مبارزه با مظاهر فساد و تباهی، رفع تبعیضات نازوا و اجرای عدالت و مساوات در جامعه، حفظ و حراست از آیین الهی و اهل ایمان در برابر هجوم استعمارگران و مفسدان، توسعه و تحکیم روح برادری و اخوت در جامعه اسلامی و ده‌ها نیاز خاص جوامع اسلامی، ضرورت تشکیل حکومتی بر معیارهای دینی و تحت زعامت رهبری عالم، آگاه و متقی را دوچندان می‌سازد.

برپایی حکومت و ضرورت تشکیل آن، از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت علی (ع) که کشته راه عدالت است، در مقام احتجاج در برابر خوارج که حکومت را خاص خداوند می دانستند، ضمن تأکید بر لزوم تشکیل حکومت، وجود حاکم جور را بر هرج و مرج در جامعه و بی حکومتی ترجیح داده و می فرماید: «أَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بِرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ...» (مردم در هر حال نیازمند [حکومت] و امیری هستند خواه نیکوکار باشد یا بدکار؛ تا مؤمن در حکومت او به کار خویش مشغول گردد و کافر بهره خود را ببرد. اثر برقراری نظم و آرامش خداوند هر فردی را به اهل عدل برساند، به وسیله او مالیات جمع گردد، با دشمن تبرد شود و راه ایمان گردد و حق ناتوان از نیرومند گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و از دست ناچاران در امان باشند). جان کلام امیر بیان و تجسم تمام عیار عدالت آن است که پذیرش حکومت جوری که برای بقای خود ناچار از وضع برخی مقررات و ایجاد امنیت و... است، مناسب تر از وضعیت هرج و مرج و اختلال در نظام اجتماعی و کارشیم است.

در کلام دیگری حضرت، وجه حاکم ظالم را از وجود شیر درنده بدتر و هرج و مرج در اجتماع و وجود فتنه های مداوم در آن را بدتر از حاکم ظالم می دانند و در بیان گوهربار دیگری می فرمایند: «وَاللَّهِ غَشُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومُ» (حاکم ستمگر بیدادگر، بهتر است از فتنه های دائمی و مستمر) به دلیل اهمیت بالای تشکیل حکومت است که پیامبر گرامی (ص) در اولین فرصت به دست آمده، پس از مهاجرت به مدینه، اقدام به تشکیل حکومت نمودند؛ نظامات را برقرار ساخته، به اجرای قوانین پرداختند، به نصب و عزل و امان و قضات مبادرت فرمودند، جنگ ها را فرماندهی کردند و...

احکام و مقررات اسلام دارای ابعاد و زوایای مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... که تمامی شئون فردی و اجتماعی افراد من المهد الی اللحد را در برمی گیرد. اجرای این برنامه های همه جانبه و دقیق، جز با تشکیل حکومتی مقتدر، عدالت و معنویت گستر، میسر نخواهد بود. چه اینکه روشن است، قانون، هر قدر پیشرفته و کامل که باشد، مادام که مجریان کارآزموده،

تشکیلات لازم و سازوکارهای مناسب اجرایی را نداشته باشد، هرگز از ایده به عمل گذر نکرده و هرگز نخواهد توانست سعادت بشر را تأمین نماید. چگونه می‌توان تصور نمود که وظیفه و رسالت، هدایت انسان‌ها به سوی خداوند و زدودن زنگارهای غفلت، آبادانی سرزمین‌ها، تأمین رفاه و آسایش مردم، دفع تعدی متجاوزین، اشاعه و نشر کلمه‌الله، مبارزه با فساد و تباهی، اجرای مقررات حکومتی و کیفری متنوع و ده‌ها و صدها برنامه و آموزه دینی، بدون ایجاد بسترهای مناسب و مدیریت واحد و مقتدری، ممکن و متصور باشد.

همان‌گونه که تشکیل حکومت، دارای اهمیت است، به همان‌اندازه نیز مسئله حکمرانی و ویژگی‌های آن دارای اهمیت است. به حکم عقل، انسان‌هایی که دارای عالی‌ترین مراتب کمال‌اند، مناسب‌ترین افراد برای حکمرانی‌اند. کمال مطلوب در ادیان الهی و دینی، کمالات معنوی است، و از این‌روی پیشوایان دین، خود وارسته‌ترین افراد جامعه‌کنندگان عبادیات و برپادارندگان فضایل و اخلاقیاتند «الَّذِينَ إِن مَنَّاهُمْ عَلَىٰ نَارٍ مِنْ أَقْسَامِهَا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج: ۱). بر اساس آموزه‌های فقه امامیه، فرمانروایی در اساس و اصالت از آن خداوند است که به شایسته‌ترین بندگان خویش تفویض نموده است. هر که جز با اذن یا تفویض مالک و فرمانروای زمین و آسمان‌ها - و در مرتبه بعدی اذن عام یا خاص صدحان که اجازه تفویض چنین اختیاری را به دیگران دارند - برمسند حکومت و منصب حکمرانی بنشینند، خود، حاکم جور و حکومتش، حکومت طاغوت است هرچند ظالم و غیرخواه مردم بوده و در پی ترویج حق باشد. چنین شخصی به دلیل قراردادن خود در جایگاهی که حق آن‌را ندارد، غاصب و گمراه است و خود محتاج هدایت پس چگونه می‌تواند داعیه‌دار هدایت مردم باشد: «افمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدي الا ان يهدي فما لكم كيف تحكمون» (یونس: ۳۵).

حکمرانی شخصی که از سوی خداوند بر این امر نهاده نشده است و یا چنین اختیاری از سوی خلفای الهی (پیامبران و امامان) به وی محول نشده است، ظلمی است در حق اجتماع مسلمین و نیز شخص صالحی که این حق (و تکلیف) برای او قرار داده شده است. حال چگونه چنین شخص ظالمی می‌تواند به نیابت از

خداوند و والیان او، سکان هدایت جامعه را برعهده گرفته و کشتی امت را به ساحل نجات و قرب الهی رهنمون سازد، مگر نه این است که چنین شخصی میثاق الهی را گسسته است و خود از زیان کاران است؛ «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۲۷).

اکنون که روشن شد اولاً، برپایی حکومت از ضروریات عقلی در تمامی جمیع بوده و این ضرورت به دلیل رسالت ویژه ادیان الهی در تأمین سعادت دنیوی و اخروی افراد، از اهمیت دو چندانی برخوردار است و ثانیاً، نایل شدن به اهداف و آرمان‌های متعالی آسمانی، بدون وجود حاکمانی که خود صالح‌ترین و عالم‌ترین افراد به رموز تحصیل رفاه و آسایش دو جهان‌اند، هرگز - امة عمل به خود نخواهد پوشید - هرچند نفس وجود حکومت و حاکم خود دلیل آثار مثبت فراوانی است - نمی‌توان تصور نمود که اسلام برای دوران غیبت بازارهای نیندیشیده و جامعه را به حال خود واگذار کرده و یا زعامت و حکمرانی، هر حکمرانی را تأیید و امضا کرده باشد. چگونه می‌توان با وجود حاکم ناصالح، حدود الهی را اجرا نمود، فضایل اخلاقی و معارف دینی را ترویج نمود، امر به معروف را اشاعه و ترویج کرد و... آن‌که معرفت الهی نیافته و ایمان در جانش نفوذ نکرده، چگونه می‌تواند هدایت‌گر جامعه باشد.

ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که به هستی‌بخش

مشروعیت و بلکه لزوم ولایت و حاکمیت فقیه در عصر غیبت، مانند لزوم اصل حکومت، از امور روشن عقلی است که تصور آن موجب تردید نیست. از آنجا که برای پیاده‌سازی احکام و مقررات اسلامی و تحقق آرمان‌های دینی، شناخت دین و احکام و معارف آن، لازم و ضروری است و از سوی دیگر فقهای خدا ترس و امنای رسولان هستند که واجد این ویژگی و خصیصه‌اند، از این رو تصدی حکومت اسلامی در عصر غیبت، تنها زینده اینان است و این جامعه در قامت دیگران نازاست و گشاده است. فقها که خوشه‌های دانش دینی را چیده‌اند، هوای نفس را مهار کرده و لجام بسته‌اند، شجاع و عادل‌اند، مطیع اوامر

الهی و شبه‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به انبیای الهی‌اند، شایسته بر دوش کشیدن مسئولیت خطیر اداره جامعه اسلامی هستند و از این‌روست که قبول حکم ولایت ایشان، قبول ولایت حاکمان منصوب از سوی خداوند است و رد ولایت ایشان و تمرد از گردن‌نهادن در مقابل حکومت ایشان، گردنکشی در برابر حکم و حکومت معصومین و خروج از سلطنت و حکومت الهی است:

من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الله و هو علی حد الشرک بالله.

پذیرش حکومت باطل، آن‌چنان در نظر معصومین ناپسند و کریه است که هرگاه شخصی به سبب رایحه به حاکم جور و حاکم قرار دادن او، حق خویش را از ظالمی باز نماند، صرف در آن مالی که به سبب دادخواهی نزد حاکم جور و به رسمیت شناختن حکومت وی و گردن‌نهادن در برابر حکومتش، به‌دست آورده است، حرام است، به این‌که نباید به حاکم ناصالح مشروعیت بخشید و موجب تقویت آن شد. «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به» (نساء: ۶۰).

فقها و علمای دین که وارثان انبیای الهی، اما نه ادوات رسالت پیامبران، دژهای تسخیرناپذیر مرزهای عقیدتی اسلام، خلفا و جانشینان امامان دین و پیشوایان آیین الهی‌اند، حجت ائمه حق بر مردم‌اند (و اما احادیث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله) با و در پی فقیه‌شناسی به زمان، شجاع، مدیر، مدبر، عالم و با ورع (فقیه جامع‌الشرایط) است که سنت‌ها و احکام الهی بر سایه‌سار زندگی اجتماع اسلامی، جریان خواهد یافت و دست تعدی ستمکار از مظلوم و ستم‌دیده باز داشته خواهد شد.

جامعه اسلامی را در دوران غیبت خورشید هدایت الهی و حجت هدایتگر و تابنده خداوند، راهبری باید که خود از زلال حق چشیده و جان و دل از زمزم محبت الهی، مالا مال ساخته باشد. صلاح دین و دنیای مردم را بشناسد، بیاتگر و مجری حلال و حرام الهی، دادرس مظلومان و مددکار مستمندان و

محرومان باشد، درون از پلستی و کژری پیراسته و خودساخته و وارسته باشد، چراغ هدایتی در ظلمت راه و تنگناهای مسیر سیر الی الله باشد و یاسیان امانت الهی، چنین شخصی نیست مگر فقیه جامع شرایط فتوی و ولایت.

آنچه که پیش روی خواننده گرامی است، مجموعه مقالاتی است در موضوع حکومت اسلامی و ولایت فقیه که پیش از این در شماره‌های مختلف مجلات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ و منتشر شده است و اکنون به صورت موضوعی و بانسدادک تغییراتی در ساختار مقالات و انجام اصلاحاتی شکلی، تجدید چاپ می‌شود. امید است مورد عنایت و استفاده طالبان علم ره روان وادی حقیقت قرار گیرد.

پس آورده این نکته مهم ضروری است که نگارش برخی از مقالات این مجموعه به سال‌های دور - گاه بیش از ده سال قبل - باز می‌گردد و از آنجا که در آن زمان به تنظیم و نگارش مقالات به شکل کنونی انسجام و سامان نیافته بود، بیشتر معایب فاقد ارجاعات یکسان و کامل و نیز فاقد کتاب‌نامه‌های منظم و جامع گرد و همین امر تکمیل منابع و کتاب‌نامه‌ها را ضروری می‌ساخت. با این وضعیت دسترسی به بیشتر محققان محترم مقالات، متعسر و گاه متعذر بود و در مواردی نیز که دسترسی میسر بود مجال کافی و فراغت بالی برای نویسندگان محترم وجود نداشت تا اقدام به اصلاح یا تکمیل شکلی مقالاتی نمایند که سال‌های سال از زمان نگارش آن گذشته بود و از این روی تکمیل منابع مستلزم مراجعه مجدد و دستکاری دوباره بود که در اغلب موارد امری صعب و سخت به نظر می‌رسید. به چهارمین دوران امر بین دو محذور ره‌ساختن مقالات به حال خود (و چشم‌پوشی از یک‌سایه ساختن مقالات مجموعه حاضر) و پذیرش ریسک خطا و اقدام به اصلاح این مهم، گزینه دوم علی‌رغم محتمل و بلکه قطعی بودن بروز خطاهایی در آن، مقبول افتاد و مطابق آن تدوین مجموعه پیش رو با اهتمام به تکمیل منابع و کتاب‌نامه مقالات - در حد امکان - با راهنمایی‌های اینجانب و توسط برخی از همکاران به انجام رسید. با توجه به اعمال شیوه‌ی مزبور، خطاهای موجود در منابع (از حیث اطلاعات مربوط به انتشارات، نوبت و سال چاپ) ارتباطی به نویسندگان فاضل و محترم مقالات نداشته و ناشی از قصور این‌جانب خواهد بود.

نخستین مقاله این مجموعه، با عنوان «حکومت و مشروعیت» اثری است از حضرت آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی. در مقاله مزبور، پس از تبیین مفهوم حکومت، مشروعیت و حق حاکمیت، به مبانی مشروعیت حکومت و نظرات پیرامون آن پرداخته می‌شود و پس از آن موضوع جمهوریت و دموکراسی، بررسی می‌شود. بخش پایانی مقاله به مسئله حکومت ولایتی، ولایت فقیه و مباحث پیرامونی آن، نظیر: ولایت مطلقه؛ انتقاد از ولی فقیه؛ نقش ولایت فقیه در اجتناب از انحطاط اسلامی؛ اختیارات رهبری و... اختصاص دارد.

«مشروعیت حکومت ولایتی» عنوان مقاله‌ای است از جناب آقای عبدالحسن خروجاه که در هفت گفتار به تبیین مفهوم مشروعیت؛ منابع مشروعیت؛ شروع در اندیشه سیاسی اسلام؛ مشروعیت حکومت پیامبر و اهل بیت و آیات و سندها؛ مشروعیت حکومت فقیه و ادله عقلی و نقلی آن، پرداخته می‌شود. مؤلف در انتها به بررسی شبهات مطرح در باب ولایت فقیه و ارائه پاسخ‌های مناسب، می‌پردازد.

«مبانی فلسفی و کلامی حکومت دینی» عنوان مقاله دیگری است از جناب آقای محمد محمد رضایی. در این مقاله پس از ارائه توضیحاتی در باب ضرورت تشکیل حکومت که بر دو پایه قانون و حاکم استوار است، ویژگی‌های حکومت دینی و حاکمان آن، بیان و حکومت اسلامی به حکومت دینی نظیر حکومت پادشاهی، آریستوکراسی، دیکتاتوری، و... مقایسه می‌شود و در نهایت دیدگاه کائنات در مورد حکومت دینی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد نویسنده، با تبیین مبانی فلسفی، عقلی و کلامی حکومت دینی، هر عاملی در مقابل چنین حکومتی منقاد بوده و آنرا خواهد پذیرفت، چه اینکه حکومت اسلامی بر مبنای عقلی استواری بنیان نهاده شده است.

«اصول و مبانی حکومت اسلامی» عنوان نوشته‌ای است که از بیانات حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی، استخراج و تنظیم شده است. در این نوشته به اصول و مبانی حکومت اسلامی از منظر امام علی (ع) پرداخته می‌شود. برخی از اصول شمرده شده در این مقاله عبارتند از: محبت به مردم و احترام به آنها، حفظ کرامت انسان‌ها، توجه به حال فقرا و دردمندان،

برخیزد داشتن متصدیان حکومت از مال‌اندوزی، اجرای عدالت، تأمین آزادی‌های مشروع افراد، توجه به آبادانی و عمران کشور، تأکید بر تعلیم و تربیت توأم با تعهد اسلامی، نظارت دقیق بر اعمال و اوضاع کارگزاران حکومت، پاسخگوبودن متصدیان حکومت اسلامی در برابر مردم، توجه به اصل مشاوره و...

«اهداف و آرمان‌های حکومت» که به قلم جناب آقای محمدسروش محلانی به نگارش درآمده است، عنوان مقاله‌ای است که در آن اهداف و آرمان‌های حکومت از دیدگاه امیرالمؤمنین مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف در این مقاله بر آن است تا به سه سؤال اساسی است پاسخ گوید:

الف) حضرت علی(ع) چه هدف یا اهدافی را برای حکومت اسلامی ترسیم می‌کند؟

ب) در میان اهداف حکومت اسلامی کدام یک بر دیگری مقدم است؟

ج) آیا حضرت علی(ع) اهداف حکومتی خویش دست یافتند؟

به اعتقاد مؤلف، هدف از حکومت اجرای قانون الهی و پاسداشت شرع است که در این راستا برپایی عدالت بر دیگر ارزش‌های اجتماعی مقدم است. هم‌چنان‌که ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی تقدم دارد.

«حکومت اسلامی» عنوان مقاله دیگری است که به قلم حضرت آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی، به رشته نگارش درآمده است. مؤلف در این مقاله موضوع ولایت فقیه را محور بحث قرار داده و ضمن تبیین پیشینه تاریخی ولایت فقیه، رابطه ولایت فقیه با مردم، نسبت ولایت فقیه با ائمه کالت فقیه، بررسی نموده و تحلیلی در خصوص ولایت مطلقه فقیه با رویکردی به قانون اساسی، ارائه می‌دهد. مقاله، با بررسی تفکیک مرجعیت از رهبری و محاسن و معایب تعدد رهبریت و مرجعیت به پایان می‌رسد.

«ولایت فقیه» عنوان دیگر مقاله این مجموعه است که به قلم حضرت آیت‌الله مرحوم محمدهادی معرفت به نگارش درآمده است. مؤلف پس از ارائه توضیحاتی در مفهوم ولایت، به کاربرد این اصطلاح در کلمات فقها پرداخته و دیدگاه‌های موجود در باب ولایت فقیه را بررسی می‌کند. برخی از

مباحثی که در این مقاله به آنها پرداخته می‌شود، عبارتند از: جایگاه شرط فقاہت در ولی فقیہ، تفاوت نظارت فقیہ با ولایت فقیہ، تزامن ولایت‌ها، مفهوم ولایت مطلقه فقیہ، محدودیت‌های شرعی و قانونی ولایت فقیہ، مسئولیت رهبر در پیشگاه خدا و مردم و جایگاه مصلحت و احکام حکومتی در حکومت اسلامی.

«ولایت فقیہ و خبرگان منتخب ملت» عنوان مقاله‌ای است به قلم **کاسم قاضی زاده**. در مقاله مزبور به بررسی منشأ مشروعیت ولایت فقیہ پرداخته می‌شود. پس از آن چالش‌های انتخاب ولی فقیہ، در صورت وجود تعارضات احتمالی، راهکارهای برون‌رفت از این چالش‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد **ولف** پیش از تشکیل حکومت اسلامی، نظریه‌های «ولایت فقیہ مسبوط‌الید» و «ولایت اسبق» فی‌الجمله مشکل تزامن ولایت دو فقیہ را حل می‌کرد، لیکن امروزه علی‌این‌راهکارها، جوابگو نبوده و حل مشکل از طرق و شیوه‌های دیگری باید عمل آید. یکی از این راهکارهای عملی انتخاب ولی فقیہ به وسیله خبرگان است با این حال پیرامون این مسئله نیز، سؤالاتی مطرح است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

«پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیہ» به قلم جناب آقای **احمد جهان‌نزرگی**، به نگارش درآمده است، عنوان مقاله بعدی این مجموعه است که در آن نگاهی به موضوع ولایت فقیہ در بستر تاریخی آن به جایگاه مبحث ولایت فقیہ در کلام می‌شود. در این مقاله به شیوه عملی و نظری برخی از فقها در برخورد با حکومت‌های عصر خود اشاره شده و موضوعاتی از قبیل انتصابی بودن حاکمیت فقیہ، تأثیر زمان و مکان بر نظریه ولایت فقیہ و شرایط مشروعیت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد نگارنده مقاله از آنجا که حوزه اثبات ولایت فقیہ، کتب کلامی است که مباحث راجع به امامت و رهبری در آن بحث می‌شود، فقها به همان مباحث اکتفا نموده و نیازی به طرح این مسئله در کتب فقهی ندیده‌اند، والا قریب به اتفاق استوانه‌های فقه و فقاہت در طول تاریخ ولایت مطلقه فقیہ را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

مقاله بعدی مجموعه پیش رو «گستره حکم حکومتی از دیدگاه امام خمینی» می‌باشد که به قلم جناب آقای **اسماعیل نعمت‌اللہی** تألیف شده

است. مؤلف پس از اشاره به اینکه حکم حکومتی از موضوعاتی است که مباحث فراوانی پیرامون آن صورت گرفته است تا ماهیت، حدود، ثغور و شرایط آن روشن شود، به یکی از جنبه‌های مهم این موضوع که عبارت از گستره یا قلمرو موضوعی حکم حکومتی است، پرداخته است. مقاله مزبور در چهار گفتار تنظیم شده است. گفتار نخست پیرامون تعریف حکم حکومتی. گفتار دوم در مورد ولایات‌ها و شئون فقیه با توجه به اصل تفکیک قوا؛ گفتار سوم، درباره جایگاه حکم حکومتی با توجه به ولایات و شئون فقیه و گفتار پایانی نیز در مورد قلمرو موضوعی حکم حکومتی است.

«نظریه زمامداری توده‌ای و منطق استنباط» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جانب آقای **اکبر رشاد** به نگارش درآمده است، مؤلف با طرح این پرسش که «بشأ مشروعیت» حکومت دینی یا «مبدأ جواز یا استحقاق حکمرانی زمامدار» در عصر غیبت، چیست؟ با اشاره به دو دیدگاه موجود در این زمینه که عبارتند از:

(الف) منشأ مشروعیت حکومت اسلامی، اراده الهی و نصب از ناحیه معصوم است.

(ب) مشروعیت حکومت اسلامی، ناشی از اراده ملت و انتخاب اکثریت توده‌هاست.

به نقد تفصیلی دیدگاه اخیر (نظریه زمامداری توده‌ای) می‌پردازد. در این نقد، ادله بیان شده در مهم‌ترین تألیف این حوزه، **منشأ و اساسات فی ولایة الفقیه** مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد.

«انتخابات، حق یا تکلیف» عنوان مقاله‌ای است که به قلم جانب آقای **محسن قنبریان**، تألیف شده است. مؤلف در صدد پاسخگویی به این دو سؤال یا شبهه است:

(الف) از آنجا که مفهوم انتخاب، آزادی اراده است، مکلف کردن احاد جامعه برای شرکت در انتخابات با مفهوم انتخاب، تعارض خواهد داشت.

(ب) وظیفه مکلف در صورت صدور حکم شرعی از سوی مجتهد مبنی بر وجوب شرکت در انتخابات یا تحریم آن چیست؟

مؤلف، پس از تبیین مفهوم تکلیف شرعی، به پاسخ‌گویی شبهات مطابق دو مبنای موجود در باب منشأ مشروعیت حکومت اسلامی (مبنای اعطای حق حاکمیت بدون واسطه از ناحیه خدا به مردم و مبنای اعطای حق حاکمیت با واسطه ولی فقیه به مردم) می‌پردازد.

آخرین مقاله این مجموعه که به قلم جناب آقای سید/احمد حبیب‌نژاد با عنوان «ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم اسلامی - فقهی» به نگارش درآمده است، با توجه به اهمیت مجالس قانون‌گذاری در کشورهای مختلف - در صدد تبیین ماهیت نمایندگی مجلس، نوع رابطه بین نمایندگان و انتخاب‌کنندگان است. مؤلف در این مسیر به بررسی در قواعد و اصول حوزه حقوق عمومی می‌پردازد. با عنایت به تقسیم‌بندی قراردادها به قراردادهای معین و نامعین، در مورد برمی‌آید. توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های قراردادهای نمایندگی و ویژگی‌های آن، مشخص نماید نمایندگی با کدام‌یک از قراردادهای (وکالت، کارگزاری و نیابت و...) مماثلت دارد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم که از زحمات جناب آقای علیرضا پاکیزه که در صفحه‌آرایی اولیه این مجموعه و نیز برخی امور مربوط به تهیه این مجموعه، قبول زحمت فرمودند، کمال قدردانی را به‌عنوان آویم.

اللهم وفقنا لما نريد و ترضى

حسینعلی...